



در عبادات دینی ما هر چه تأثیرات باطنی تر و عمیق تر می‌شود، ارزش آن عبادت بیشتر می‌شود و به قبولی نزدیک‌تر، اما در میان تمام عبادات می‌توان گفت ممتازترین عبادت روزه گرفتن است. به این دلیل که روزه‌داری به دل انسان کار دارد. انسان روزه‌دار با روزه گرفتن دارد بریدن از غیر خدا را تمرین می‌کند؛ چون شما همان‌طور که گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کنید، از غیر خدا نیز جدا می‌شوید و به ذات مقدس پروردگار اتصال پیدا می‌کنید.

در یک حدیث قدسی از امام صادق (ع) نقل شده است: **إِنَّ آتِيَاكَ وَتَعَالَى يَقُولُ الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزَى عَلَيْهِ**. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم. در واقع برای این روایت زیبا سه معنا می‌توان در نظر گرفت که این سه معنا در سه سطح متفاوت است:

معنای اول همین معنای ظاهری است که: «روزه مال من است و من پاداش آن را می‌دهم». کسانی که این معنا را قبول دارند، خداوند برای تأکید بر ارزش روزه و برکات آن، فرموده است که خودم پاداش آن را می‌دهم. در اینجا ایراد وارد می‌شود که چرا درباره سایر عبادات نظیر نماز، جهاد و حج، چنین حدیثی نداریم؟ مگر پاداش آن عبادت‌ها را خداوند سبحان نمی‌دهد؟ پس معلوم می‌شود که این روایت باید معنای دیگری داشته باشد.

اما معنای دوم، گروهی دیگر چنین گفته‌اند که هرکه روزه واقعی بگیرد، به مقام عنداللهی خواهد رسید. یعنی بالاتر از بهشت معمولی، بهشت عدن و بهشت رضوان را طی می‌کند و به مقام عنداللهی می‌رسد. به قول قرآن کریم: **يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ**.

هان ای روح آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد که تو از اراضی هستی و او از تو راضی است. پس در زمره بندگان من درآی و به بهشت من داخل شو! با این تفسیر خصوصیت روزه حقیقی نیز این است که انسان را به مقام عنداللهی می‌رساند. معنای دوم از معنای اول بهتر است. اما به نظر می‌رسد این حدیث شریف می‌تواند معنای والاتری نیز داشته باشد.

معنای سوم این است که خدای تعالی می‌فرماید: روزه‌داری، عبد را شبیه من می‌کند و پاداشش «خود من» هستم. پاداش آن خود من هستم یعنی چه؟ یعنی روزه می‌تواند انسان را به مقام لقا و به مقام فنا برساند. به گونه‌ای که خدا بر دلش حکومت کند و آن دل عرش الرحمان شود.

بر این اساس، این روایت با روایت: **لَا يَسْعَىٰ أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعَىٰ قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ** «یک معنادر. خداوند می‌فرماید: زمین و آسمان وسعت مراندارند، تنها قلب بنده مؤمن است که می‌تواند مراد خود جای دهد.

خداوند متعال در این روایت می‌فرماید روزه برای خود من است. چرا خداوند این جمله را بیان می‌کند درحالی‌که تمام چیزهای دنیا و انسان برای خداست؛ چون تمام کارهایی که شما انجام می‌دهید، در کنار سایر برنامه‌ها انجام می‌دهید اما در روزه‌داری دل از غیر خدا می‌برید و تنها برای خدا روزه‌دار هستید.

آنچه در این روزه‌داری مهم است، دل بستگی ما به خداوند متعال است. مظهر این دل بستگی، گرسنگی و تشنگی است؛ امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی می‌فرماید: **همه هستی ما به خدا تعلق دارد. اعضای بدن شما شهادت خداست. جوارح و توانمندی جسم شما لشکر خداست. باطن‌های شما چشم‌های خداست، در آن خلوت‌هایی که با خدا می‌کنید، آنجا به زیارت خدا رفتید».**

یعنی ذات مقدس پروردگار که بناست انسانی را به نقطه محوری عشق خود برساند، به وسیله شما انجام می‌دهد یا شما در باطن خود چیزی را می‌بینید. در واقع اراده ذات مقدس پروردگار است که در باطن شما نهادینه شده است تا با این چشم حقایق را ببینید.

خداوند می‌فرماید این روزه برای خودم است؛ چون این را خودم پاداش می‌دهم و به تعبیر دیگری منظور خداوند این است که خودم پاداش این روزه‌داری هستم. خودم را در این روزه‌داری درک و پیدا می‌کنید.

بسیار مهم است که انسان به خدا برسد و تمام اعمال و رفتار او تنها برای خدا و تحت نظارت خداوند متعال باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید در سحرهای ماه مبارک رمضان، جمال خدا را از خدا بخواهید، لذا می‌خوانیم که خدا یا من از تو می‌خواهم که جمالت را ببینم. ما می‌توانیم با چشم دل جمال خدا را ببینیم.

چطور من با تمام گناهانی که دارم، به خدا می‌گویم جمالت را به من نشان بده؟ باید باور داشته باشیم که این خداوند متعال است که اگر اراده کند، چشم دل من باز می‌شود و جمال خداوند متعال را می‌بینم و دیگر در آن لحظه همه چیز در چشم من حقیر و بی‌ارزش می‌شود.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را مشمول برکات والای روزه‌داری و مقام خاصان خود در این ماه بزرگ که ماه میهمانی خداست، قرار بدهد.....

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بیرس و بدن

روزه‌داری و سفر

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارید.

● **سؤال:** من قبل از ظهر برای کاری مسافرت کردم و در مسیر رفت، نتوانستم قبل از اذان به حد ترخص بیرس، کاری که روزه را باطل کند، هم انجام ندم. حکم روزه‌ام چیست؟

● **پاسخ اجمالی:** اگر روزه‌دار بعد از اذان ظهر از وطن خارج شود و به سفر رود، روزه‌اش صحیح است و برخی مراجع، محدوده اطراف شهرها (تا قبل از حد ترخص) را عرفاً در حکم وطن شمرده‌اند و بر این اساس، در فرض سؤال که روزه‌دار تا قبل از اذان ظهر، از حد ترخص و وطنش خارج نشده است، روزه‌اش را صحیح دانسته‌اند. اما گروهی از مراجع می‌گویند: چنانچه هنگام اذان ظهر در جایی باشد که عرفاً جزو وطنش به‌شمار نمی‌رود - اگرچه به حد ترخص نرسیده باشد - روزه‌اش باطل است.

**آیت...العظمی‌خامنه‌ای:**

در فرض سؤال که به حد ترخص نرسیده، باید روزه نگه دارد و روزه‌اش صحیح است.

**آیت...العظمی‌سیستانی:**

اگر هنگام اذان ظهر داخل شهر نبودید، روزه صحیح نیست.

**آیت...العظمی‌شیرازی:**

اگر هنگام اذان ظهر در وطن نباشید، روزه باطل است.

**آیت...العظمی‌صافی‌گلپایگانی:**

چنانچه قبل از ظهر از حد ترخص خارج نشده باشید، روزه‌تان صحیح است.

**آیت...العظمی‌مکارم‌شیرازی:**

روزه شما درست نیست، بعد از قضای آن را به جا آورید.

۱. منظور از حد ترخص مکانی است که در آنجا آخرین منازل مسکونی شهر دیده نمی‌شود.  
۲. آیات عظام سیستانی، شیرازی و مکارم‌شیرازی.



شهرانه  
۱۳۳۹  
۹ مرداد ۱۳۳۹  
شماره ۱۴

۱۴



افطاری بدهید

ماه رمضان مانند مسیری است که در هر قدم آن، پروردگار عالمیان جایزه و پاداشی برای اهلس قرار داده است. یکی از قدم‌های پربرکت و دارای اجر بسیار، افطاری دادن است. مهمان کردن روزه‌دار در دستگاه خداوند، آن قدر اهمیت دارد که به گفته روایات، از روزه مستحبی دارای اجر بیشتر است. (بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۱۶). امام صادق (ع) درباره فضیلت افطاری دادن فرموده‌اند: «هرکه مؤمنی را افطاری دهد، کفاره یک سال گناه او شمرده می‌شود و هرکه دو مؤمن را افطاری دهد، بر خداوند است که او را وارد بهشت سازد».

(وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۴۱).

به اندازه یک جرعه آب

سفره افطار تنها سفره‌ای است که میزبان آن نباید نگران تأمین مایحتاجش باشد؛ زیرا شرط قبولی این سفره به رنگین بودنش نیست، بلکه هرچه ساده‌تر، مقبول‌تر است. در این باره در روایتی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «هرکه از شما در این ماه روزه‌داری را افطار دهد، خدای تعالی پاداش عملش را ثواب یک بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته او قرار خواهد داد. فردی گفت: یا رسول الله! همه ما که توانایی افطار دادن نداریم، حضرت فرمودند: از آتش جهنم بپرهیزید، گرچه به دادن نصف دانه خرما باشد (اگر این را هم ندارید) به دادن شربت آب ساده‌ای باشد».

(من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۴).

سفره افطار از درآمد حلال

شاید توزیع یک دانه خرما به نظراتان سخت یا عجیب باشد اما خوب است بدانید که براساس روایات اهل بیت (ع)، افطاری دادن دارای ثواب است و در سیره این بزرگان، افطار با خرما، آب و شیر توصیه شده است؛ چنان‌که پیامبر اعظم (ص) فرمودند: کسی که با خرمای حلال افطار کند، ثواب نماز وی، چهارصد برابر خواهد شد و امام صادق (ع) فرمودند: پیامبر اکرم (ص) با اولین چیزی که افطار می‌فرمود، در زمانی که رطب یافت می‌شد، رطب بود و در زمانی که خرما یافت می‌شد، خرما بود. نقل شده است پیامبر (ص) با خرما افطار می‌کردند یا با شیرینی و اگر چیز شیرینی نمی‌یافتند، با آب گرم افطار می‌کردند. سادگی و حلال بودن از ویژگی‌های این افطاری‌ها بوده است.

مروری بر فضیلت افطاری دادن در ماه مبارک رمضان

حتی با یک خرما

حمیده ذاکری | رمضان، ماه وقت‌های خوب و خیر است؛ وقت خوب سحر و لحظه‌های خوش افطار؛ لحظه‌هایی که مانند سال تحویل حساب هر ثانیه‌هایش را داریم و دل‌مان هر لحظه لبریز شوق و شگفتی است. انگار که هر روز در این لحظات از نو بندگی را تجربه می‌کنیم و دیگرپاره متولد می‌شویم؛ لحظاتی که با سفره پربرکت افطار گره خورده است؛ سفره‌ای که عطر و بوی بندگی دارد و این است که طعم نان و قندش با طعم‌های دیروز و سفرهای قبل از این ماه متفاوت است؛ سفره‌ای که هرچه گسترده‌تر باشد، ثوابش بیشتر است و اما با خود آداب و قواعدی دارد که باید رعایت شود؛ آداب و حرمتی که باید از اهلس پیامبریزیم و در این ماه رعایتش کنیم تا به ثوابی که انمه اظهار (ع) وعده داده‌اند، برسیم. در ادامه نکاتی را برای داشتن سفره‌ای که مورد پسند خدا و اولیائش است، با هم مرور می‌کنیم.



سفره پربرکت افطار مانند هر عمل ثواب‌آدایی دارد و لازم است از آن مراقبت کنیم تا به هیچ چیز غلط و ناپاکی آلوده نشود

سفره پربرکت افطار مانند هر عمل ثواب‌آدایی دارد و لازم است از آن مراقبت کنیم تا به هیچ چیز غلط و ناپاکی آلوده نشود



به قصد قربت باشد

سفره پربرکت افطار مانند هر عمل ثواب‌آدایی دارد و لازم است از آن مراقبت کنیم تا به هیچ چیز غلط و ناپاکی آلوده نشود و تا می‌توانیم، به دور از تکلف و چشم‌وهم جسمی و به نیت افطار روزه‌داران حقیقی و نیازمندان برگزارش کنیم. در این باره می‌خوانیم: «افطاری دادن عبادت است به شرطی که به قصد قربت باشد؛ چون اگر کاری به قصد قربت نباشد، عبادت نیست. تمام کارها اگر برای خدا باشد، حتی نجاری، عبادت است. تمام کارها حتی نماز شب اگر برای خدا نباشد، عبادت نیست. گاهی ممکن است افطاری باشد، عبادت نباشد، عزاداری باشد، عبادت نباشد».

(محسن قرائتی، درس‌هایی از قرآن جلد یک، صفحه ۲۴۶).

در افطاری دیگران مشارکت کنیم

برای دعوت مهمان خوب است که به شیوه‌اهل بیت عمل کنیم؛ یعنی همان‌طور که درباره انفاق و کار نیک توصیه شده است، ابتدا از خویشاوندان و نزدیکان شروع کنیم و بعد به سراغ نیازمندیانی که می‌شناسیم، برویم. این طوری انگار با یک تبر دو نشان رازده‌ایم؛ هم به ثواب افطاری دست یافته‌ایم و هم اجر انفاق در راه خدا نصیبمان خواهد شد، ان شاء الله! یادتان باشد شرط افطاری مقبول در بی تکلف بودن آن است. گاه یک لقمه نان نذری که در مسجد محل توزیع می‌کنید یا شراکت در نان صلواتی که در نانوائی توزیع می‌شود، کافی است تا نام شما را در بین افطاری دهندگان ثبت کند.

سفره را با نام خدا مزین کنیم

تأمی‌توانید، سعی کنید سفره‌تان به جای آنکه مزین به غذاهای رنگارنگ باشد، مزین به آداب و اذکار باشد. در سیره اهل بیت (ع) علاوه بر توصیه به نماز اول وقت پیش از افطار، ذاکری هم توصیه شده است که می‌توانید آن‌ها را با مهمانانتان در میان بگذارید. در مفتاح‌الجنان شیخ عباس قمی درباره آداب افطار در لحظات ملکوتی اذان مغرب، چنین آمده است: مستحب است شخص روزه‌دار بعد از نماز عشا افطار کند؛ مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی منتظر او باشند. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرمایند: هرکه موقع افطار کردن، بگوید بسم... الرحمن الرحیم، خداوند گناهان او را می‌آمرزد.

روشنا

رسول خدا (ص)، «ان ابواب السماء تفتح فی اول لیله من شهر رمضان ولا تغلق الی اخر لیله منه» (بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۴)

ذکر

تو در نظرم بی‌اهمیت نیستی

سمانه رضوانی | رفته‌ایم میهمانی و دخترم یک گوشه نشسته و این بار شکر خدا اورژن بادیش را آورده است. صاحبخانه شروع می‌کند به تعریف کردن: «به به چه دختر مرتب و تمیزی!، قبلا این ظاهر مرتب‌راننده‌ای است که چطور آسمان را به زمین دوخته بود تا من اجازه بدهم با همان لباس شنبه چهارشنبه خانه، بیاید میهمانی.

نشسته است کنار من و از او پذیرایی می‌کند. دخترم تشکر می‌کند، تعریف‌های صاحبخانه به دلش نشسته است و تمام تلاشش را می‌کند تا ذهنیت او را تغییر ندهد. تعریف‌ها دوباره شروع می‌شود: «باریکلا به این ادب!، عروسکی را که دستش بود، به دوستش می‌دهد: «بیا با این بازی کن!، میزبان می‌پرسد: «این دختر شما همیشه همین‌قدر خانوم است؟»، نگاهش را

می‌بینم که التماس می‌کند بند را آب ندهم و بگویم بله. تمام دیروز را مرور می‌کنم که سر یک توپ کوچک با برادرش درگیر بود که توپ من است و نمی‌دهم که نمی‌دهم. اما...

با همه اذیت‌کردن‌هایش شب می‌آید سراغ خودم و انگار آرامش می‌گیرد و می‌خوابد. با خودم فکر می‌کنم او می‌داند هر قدر هم اذیت کند، به هم بریزد، با خواهر و برادرش درگیر شود و مرا ناراحت کند و حتی دعوایش کنم، زودتر از بقیه می‌بخشمش، زودتر دلم رحم می‌آید. چقدر شبیه خودم، چقدر شبیه ما در برابر خدا؛ هر چند محبت مادر به فرزند، عددی نیست در برابر محبت خدا به بنده...

دعای ابو حمزه ثمالی توصیف همین حال ما را می‌کند: حال همین بنده کوچک در برابر خدای بزرگ. میزبان می‌پرسد: «فلو اطلع الیوم علی ذبی غیرک ما فعلته و لو جفت تعجیل

رسول خدا (ص)، درهای آسمان در اولین شب ماه رمضان گشوده می‌شود و تا آخرین شب آن، بسته نخواهد شد.

الْعُقُوبَةَ لِأَجْتَنِبُهُ، «که اگر بگریم کسی غیبت‌نوا گناه می‌شد، البته آن گناه را نمی‌کردم و اگر از تعجیل می‌ترسیدم هم، از خطا اجتناب می‌کردم». نه اینکه بقیه بزرگ باشند و خدا کوچک، نه اینکه مهم نباشد، نه: لَا لَئِکَ أَهْوَى النَّاطِرِينَ (الْبَیِّنَاتُ) وَأَخْفَ الْمُطَّلِعِينَ (عَلَى)؛ «نه از این رو که تو از دیگران در نظرم، بی‌قدر و اهمیت‌تری». جلوی دیگران خوبیم و از اینکه تو گناه هم را بفهمی، آبا ندارم؛ چون از بزرگ‌تری تو مطمئنم، از بخشش تو، از صبر تو، از اینکه آبروی من را نمی‌بری؛ سَأَلُوا الْعُقُوبَةَ غَفَاؤُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْعُقُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَوْكِهٍ وَ تُوَخَّرُ الْعُقُوبَةَ بِحَلْمِكِ. «تویی که بر عیب‌های خلق، پرده پوشی و بر گناهانشان بیخوشایی و بر اسرار غیب‌آگاهی، گناه بندگانت را به کرمتم می‌پوشانی و کیفی را با هر سبب حلم و بردباری به تأخیر می‌افکنی».